



اسفندگان ایرانی یا ولنتاین خارجی؟!

روز عشاق

دو سه سالی می‌شود که از یکی دوهفته مانده به ولنتاین بحث‌های اینترنتی داغ می‌شود. جوان‌ها می‌پرسند: «روز ۲۵ بهمن را جشن بگیریم و به معشوق خود هدیه دهیم یا تا ۲۹ بهمن صبر کنیم. ولنتاین را برای ابراز عشق خود انتخاب کنیم یا به اسفندگان که جشنی باستانی است رای دهیم. کدام یک واقعا متعلق به عشاقند و کدام یک برای عشاق ایرانی مناسب‌تر؟»

امسال هم این بحث دوباره میان جوانان ایرانی که هم دغدغه عاشقی کردن دارند و هم نگران این که مبدا هویت ملی خویش را فرو گذارده باشند، راه افتاد. این همه اغلب دو سه هفته پس از گذشت اسفندگان از یادها می‌رود تا سال دگر برسد و نوبت عاشقی مکرر شود.

هنوز غیر از «رضا مرادی غیاث آبادی» که دست در کار پژوهشی در این حوزه دارد و با تردید گفته شاید بتوان برای ولنتاین همپوشانی‌هایی با اسفندگان پیدا کرد هیچ صاحب نظری در این حوزه وارد نشده و نظری نداده‌است.

جشن مزدگیران، جشن عشق‌ورزی

نامگذاری آخرین ماه فصل زمستان بنام اسفند یا سپندارمذ از ویژگی باروری و زاینده‌گی زمین سرچشمه گرفته است. چرا که در همین ماه، نخستین جوانه‌ها سر از خاک برمی‌آورد و زایش دوباره زمین را نوید می‌دهد. از همین رو، مردمان ایرانی این ماه و به ویژه روز پنجم آن که با نام ماه همانند است (یعنی اسفندروز از اسفندماه یا سپندارمذروز از سپندارمذماه) را روز گرامیداشت زمین بارور و بانوان می‌دانسته‌اند و مردان آیین‌هایی برای همسران خود برگزار می‌کرده و هدیه‌هایی به آن‌ها می‌داده‌اند. هم‌اکنون اطلاعات بیشتری از این مراسم در دست نیست. همچنین بخاطر آغاز فصل رویش و زراعت، از این روز با نام «جشن برزگران» که خود همیاران سپندارمذ در سبزیزندن و باروری زمین هستند، یاد شده است. در گات‌های زرتشت نیز بارها نام برزگران (وَرزِیَنَت) با آرمئی تی (زمین) در کنار یکدیگر آمده‌اند.

منابع موجود نشان می‌دهد که جشن اسفندگان، مانند بسیاری دیگر از جشن‌ها و آیین‌های ایرانی در انحصار هیچ‌یک از اقوام یا ادیان ایرانی نیست و به تمامی پدیده‌های طبیعت و روابط انسانی برگرفته شده و متعلق به همه مردمان ایرانی با هر گرایش قومی یا دینی است.

«بوریحان بیرونی»، دانشور بزرگ ایرانی، از این جشن به عنوان یک جشن کهن یاد کرده و گفته‌است: «این روز و ماه از دیرباز جشن زنان شوهردار بوده و همسران بر آنان بخشش می‌کرده‌اند.»

همچنین به گفته او، در آن زمان این جشن را با نام «مزدگیران» می‌شناخته‌اند، به این معنا که زنان از مردان خود هدیه‌ای می‌گرفته‌اند. امروزه این جشن هنوز هم با نام «اسفندی» در بسیاری از نواحی مرکزی ایران، همچون اقلید، کاشان و محلات برگزار می‌شود و زنان در این روز، برای خوشنودی ایزدبانوی پشتیبان باروری خود، آشی می‌پزند که بنام همین جشن، «آش اسفندی» نامیده می‌شود. این آیین در روستاهای پیرامون کاشان، همچون نَشَلج، اِسْتَرک و نیاسر، در نخستین روز اسفندماه برگزار می‌شود.

جشنی برای گرمای داشت زمین بارور و زن

با توجه به منابع موجود، دانسته می‌شود که اسفندگان در ایران باستان، نه روز زن به مفهوم مطلق و امروزه آن، بلکه روز گرمای داشت زمین بارور و همتای انسانی آن یعنی بانوان بوده است. به عبارت دیگر منظور از زن، همسر است و نه جنسیت آن. بیرونی نیز در نقل آیین‌های جشن، از زن به عنوان همسر یاد می‌کند و جنسیت زن را در نظر ندارد. همچنین آیین‌هایی که امروزه در بسیاری از نقاط دور و نزدیک میهن برگزار می‌شود، همگی در پیوند با روابط عاطفی و مهرآمیز همسران است و ارتباطی با جنسیت زنانه ندارد.

غیاث آبادی درباره شباهت‌های اسفندگان با ولنتاین می‌گوید: «نمی‌دانم این سخن من درست است یا نه که تصور می‌کنم روز زن به معنا و مفهوم امروزین آن، به نوعی کوچک‌شمردن و محتاج حمایت دانستن زن است. امروزه نیز روز جهانی زن در هشتم مارس، بر جنسیت زنانه تاکید ندارد، بلکه یادمانی برای کوشش‌های برابری طلبانه زنان و جنبش‌های آنان برای استیفای حقوق طبیعی خودشان است؛ در حالیکه جشن اسفندگان، یادمانی بسیار کهن از اسطوره‌های زایش و باروری است. این دو مناسبت و مراسم، شباهتی با یکدیگر نداشته و هر کدام اهمیت و خاستگاه و کارکردهای خاص خود را دارند.»

این پژوهشگر می‌افزاید: «عبارت «روابط عاطفی و مهرآمیز همسران» را از روایت بیرونی (آثارالباقیه، فصل نهم) برگرفته‌ام و می‌اندیشم که آیا در ریشه کهن و باستانی این جشن، ارتباطی با جشن والتاین (۱۴ فوریه) وجود دارد یا نه. چرا که می‌دانیم زمان

برگزاری و بسیاری از درون‌مایه‌های ایندو به یکدیگر نزدیکی و شباهت دارند؛ تنها یکی از آنها پیکری شرقی و دیگری نمود و هنجاری غربی دارد.»

روز مزدگیران در تهران امروزی

زرتشتیان ایران در روز اسفندگان سفید می‌پوشند و موبدان اسپند در آتش دود می‌کنند. جشن اسفندگان روز سپندارمذ از ماه اسفند است. «سپنته آرمئی تی» عشق پاک و مقدس است و بیشتر از زنان سرچشمه می‌گیرد. این روز به زنان و مادران اختصاص دارد. به احترام ویژگی‌های فداکاری، فروتنی و مهربانی مادر جشن ویژه‌ای در روز مادر برپا می‌شود. «گاهنبار»ها جشن‌های فصلی و مربوط به زندگی کشاورزی و دامپروری هستند که در فرهنگ ایران باستان شکل گرفته‌اند و شش مرحله در سال برگزار می‌شود. زرتشتیان در هر مرحله گاهنبار پنج روز به داد و دهش می‌پردازند و با گردهمایی در این جشن‌ها داده‌های آفریدگار را سپاس می‌گویند. در این روز مادران از فرزندان خود و زنان از مردان پیشکش‌هایی دریافت می‌کنند و زنان نیکوکار، پاکدامن و پرهیزگار مورد تشویق قرار می‌گیرند. اسفندگان از جمله جشن‌های ماهیانه‌ای است که اطلاع دقیقی از گذشته برپایی آن به صورت مکتوب در دست نیست. در این چند روز به پاس تلاش یک ساله زنان، مردان وظایف ایشان را بر دوش گرفته و با این کار، فعالیت‌های یک زن را تجربه می‌کردند و در عین حال در این روز هدیه‌دادن به زن خانه از آداب و رسوم اصلی این جشن به شمار رفته‌است.

بنا بر نوشته موبد «کوروش نیکنام»، براساس سنت باستانی، مردان و فرزندان زرتشتی در روز سپنته آرمئی تی که مظهر ایمان،



مهر و محبت و حامی‌زنان نیک است، به همسران و مادران خود هدایایی تقدیم می‌کنند و برگزاری مراسم جشن و سرور در این روز ضروری است.

روز اسفندگان متعلق به همه ایرانیان است همانگونه که زن زرتشتی دور یک سفره حلقه می‌زنند و برای دوری خشم و نفرت از سرزمین‌شان دعا می‌خوانند.

در مقابل اسفندگان که جشن زنان نام گرفته، «یزنه» قرار دارد؛ جشنی مختص مردان، با ریشه‌ها، ساختار و کارکردی مردانه. این جشن نیز مجموعه‌ای از قواعد و رسوم خاص خود را جهت تکریم مردان دارد که باید پژوهش‌های کامل و مستقلی درباره ریشه‌های آیینی و تاریخی آن صورت گیرد تا بازشناخته و در همه جوانب درک شوند.